

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.340908.3432>

Abstract

In this article, there will be considered the obstacles and challenges of legislation, execution and structure of semi-liberty system, which amongst them it is claimed that judicial culture on semi-liberty has not yet been soaked among judges as well as its public and social culture. Besides, there have not been organized its related centers and organizations. Moreover, in this paper, it has been noted the necessity of waive plaintiff's claim, so in case of concurrence of penal court judge, there could not be any semi-liberty sentence which without it is grudge violence. Another challenge is the lack of legal executive security if the criminal enjoying semi-freedom commits a new crime. In the case of legal violation, the law must be reformed in such a way to hold more evidence description in semi-liberty. Also, on the lack of executive security, not only the law should be reformed, but there also be used similar tactics on conditional liberty. On structural challenges such as lack of financial platform, it should be involved some financial resources, in the absence of independent organizations, a specialized foundation observed directly by judiciary is necessary, though. In recent laws, there is an ambiguity on the role of public prosecutor and executive judge that should be removed. Moreover, penal cord executors training through being informed can be helpful to accept and perform better semi-liberty course. Having a must-be social platform, promoting social workers' and security agents' activities, improving skills as well as specializing the cases can also be beneficial.

Key words: semi-liberty obstacles; criminal; prison; reform and treat; making necessary foundation

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.340908.3432>

چالش‌های تقنینی - ساختاری نظام نیمه آزادی در ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۷

علی مشایخیان^۱

حسنعلی موذن زادگان^۲

احمد جان آقایی^۳

سید علی میر ابراهیمی^۴

چکیده

در این مقاله به موانع و چالش‌های تقنینی و اجرایی و ساختاری نظام نیمه آزادی پرداخته خواهد شد و از جمله‌ی آنها می‌توان گفت که هنوز فرهنگ قضایی فی مابین قضات درخصوص نیمه آزادی شکل لازم را به خود نگرفته و فرهنگ سازی عمومی و اجتماعی نیز نشده است و مراکز و سازمان‌های نیمه آزادی نیز هنوز ایجاد نشده‌اند. ضمناً در مقاله به چالش‌های ضرورت گذشت شاکی خصوصی نیز اشاره شده که حتی در صورت وجود شرایط و موافق بودن قاضی محکمه‌ی کیفری، چنانچه شاکی گذشت ننماید نمی‌توان حکم به نیمه آزادی صادر نمود و این مسئله نقض غرض می‌باشد و چالش دیگر، فقدان ضمانت اجرایی قانونی در صورت ارتکاب جرم مجدد توسط فرد برخوردار شده از نظام نیمه آزادی است. در خصوص نقض قوانین، بهتر است که قانون اصلاح شود و نیازمند توضیح بیان مصادیق بیشتری در مورد نیمه آزادی است و در مورد فقدان ضمانت اجرایی نیز ضمن اصلاح قانون، تدابیری مشابه با آنچه ذیل آزادی مشروط وجود دارد اتخاذ گردد. پیرامون چالش‌های ساختاری از جمله فقد بستر مالی، نیازمند در نظر گرفتن برخی منابع مالی لازم است و در خصوص فقدان تشکیلات مستقل، ایجاد یک سازمان خاص زیر نظر مستقیم قوه‌ی قضائیه ضرورت دارد. در قوانین فعلی در مورد نقش دادستان و قاضی اجرای احکام نیز ابهام وجود دارد که نیازمند نص صریح می‌باشد. ضمناً آموزش کارگزاران دستگاه عدالت کیفری از طریق ارتقاء آگاهی‌ها می‌تواند موجب پذیرش و اجرای هر چه بهتر روش نیمه آزادی باشد. فراهم کردن بستر اجتماعی لازم و تقویت فعالیت‌های مددکاران اجتماعی و مأموران مراقبتی و افزایش مهارت‌ها و تخصصی نمودن امور نیز می‌تواند تأثیرات مفیدی بگذارد.

در مقاله نتیجه می‌گیریم که به تصویب رساندن قوانین یا آئین‌نامه‌ها به تنهایی نمی‌تواند شرایط لازم نیمه آزادی را فراهم کند بلکه باید شرایط و امکانات لازم را برای اجرای آن فراهم کرد و کارایی هرچه بیشتر نظام نیمه آزادی قطعاً بستگی به استفاده‌ی بجا و در عین حال ضابطه مند دستگاه قضایی و محاکم کیفری دارد و قاضی دادگاه کیفری لازم است که به مجرم تفهیم نماید که هدف از استفاده از ارفاق قانونی، ارائه‌ی فرصت‌های لازم به وی جهت اصلاح و جبران ضرر و زیان بزه دیده می‌باشد.

واژگان کلیدی: موانع نیمه آزادی، بزهکار، زندان، اصلاح و درمان، ایجاد بسترهای لازم.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

^۲ دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد انزلی، دانشگاه آزاد اسلامی، انزلی، ایران

^۴ - استادیار گروه فقه و حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

مقدمه

طی یک قرن اخیر در ذهن دانشمندان حقوق کیفری و جرم‌شناسی این فکر شکل گرفت که با اتخاذ چه راه حل‌هایی می‌توان آثار منفی حبس را تعدیل نمود تا زمینه‌ی بازپروری محکومان را طی یک فرآیند قانونی فراهم گردد و موضوع جایگزین‌های حبس به تدریج مطرح گردید که یکی از آنها شیوه‌ی نیمه‌آزادی است. در این روش با آزادی نیمه‌وقت مجرم موافقت می‌گردد و اصل فردی کردن مجازات‌ها را نیز تضمین می‌نماید و از طرف دیگر اصلاح مجرم را در دستور کار قرار می‌دهد.

نظام نیمه‌آزادی یکی از نمادهای اصلی شخصی کردن کیفر و از جمله طرقی است که در راستای کاهش جمعیت کیفری زندان با آزادی نیمه‌وقت مجرم موافقت کرده است و با عنایت به بند ۵ اصل ۱۵۶ یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که یکی از وظایف اصلی قوه قضائیه را اقدام مناسب برای اصلاح مجرمین نیز در نظر گرفته است و نظام نیمه‌آزادی نیز می‌تواند در این راستا مورد استفاده قرار گیرد به تبیین موضوع می‌پردازیم.

با توجه به طرح انتقادات فراوان در خصوص توسل بیش از حد به مجازات حبس، پیشنهاد طرح جایگزین‌ها و تعدیل‌کننده‌های آن را به همراه داشته است، لذا اعمال جایگزین‌های حبس به مرحله‌ی پس از صدور حکم و در واقع به اجرای مجازات سرایت کرد و موجب شد معایب زندان به حداقل برسد.

در عمل قضات محاکم کیفری در ایران علیرغم تصویب موضوع نظام نیمه‌آزادی در قانون مجازات اسلامی، رویه‌های عملی محاکم کیفری بر مبنای قانون شکل نگرفته و روش‌های متفاوتی در دادگاه‌های جزائی و اجرای احکام کیفری دادرسی عمومی و انقلاب جاری است که در این مقاله به بیان روش‌ها و نحوه اجرای نظام نیمه‌آزادی در محاکم کیفری خواهیم پرداخت.

در این مقاله به موانع و چالش‌های تقنینی و اجرایی و ساختاری نظام نیمه‌آزادی در حقوق کیفری ایران پرداخته خواهد شد.

از جمله موانع می‌توان گفت که هنوز فرهنگ قضایی فی‌مابین قضات درخصوص نظام نیمه‌آزادی شکل لازم را به خود نگرفته و فرهنگ سازی عمومی و اجتماعی نیز نشده است و مراکز و سازمانهای نظام نیمه‌آزادی حسب ماده‌ی ۵۶ قانون مجازات اسلامی که باید متصدی انجام این امر مهم باشند در کشور ما ایجاد نشده‌اند و لازم است که ارتباط نزدیکی فی‌مابین قوه‌ی قضائیه و مجریه برقرار شود تا سازمانها و مراکز مورد نیاز با بودجه و تشکیلات مناسب برقرار گردد و درخصوص ایجاد فرهنگ عمومی می‌توان گفت اهمیت این موضوع برای جامعه مدنی و سازمانهای غیردولتی و مردم نهاد تبیین نشده تا بتوانیم از جمعیت کیفری زندان بکاهیم.

سؤال در این مقاله؛ چالش‌های نظام نیمه‌آزادی در حقوق کیفری و رویه‌ی قضایی ایران چیست؟

در پاسخ به سؤال، فرضیه‌ی مقاله این است که چالش‌های نظام نیمه آزادی در حقوق کیفری و رویه قضایی از حیث تقنینی شرط لزوم گذشت شاکی خصوصی و فقد ضمانت اجرای لازم برای تحقق نظام نیمه آزادی است و از حیث رویه قضایی چالش‌ها عبارتند از فقد آموزش قضات و تشکیلات لازم اجرایی و لزوم بسترسازی مالی است و می‌توان گفت که برای رفع موانع می‌توان از ترویج فرهنگ قضایی و عمومی جهت استفاده از نظام نیمه آزادی فی مابین جامعه و قضات استفاده نمود و از مهمترین اقتضائات می‌توان به ایجاد ساز و کارهای لازم تقنینی و توسعه‌ی دانش قضایی قضات و هماهنگی بین نظام تقنینی و اجرایی برای ایجاد مراکز نیمه آزادی نام برد.

در این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای برای پاسخ به پرسش مقاله و رد یا تأیید فرضیه استفاده شده است و ابزار تحقیق منابع موجود در کتابخانه‌ها و سایت‌ها بهره‌گیری از نظرات قضات محترم دادگاه‌های کیفری و اجرای احکام کیفری دادگستری است. در پیشینه‌ی تحقیق با بررسی‌های انجام شده موضوعی که مشابه عنوان مقاله باشد یافت نشد اما بعضی از پیشینه‌ها راجع به این موضوع از قبیل شمس ناتری، محمدابراهیم، قانون مجازات اسلامی، جلد اول، نشر میزان-آقای جنت مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی (کیفرشناسی نو) انتشارات جنگل-نیازپور، امیرحسین، توافقی شدن آئین دادرسی کیفری، نشر میزان نظام نیمه آزادی در حقوق ایران و رویه قضایی مورد بحث قرار گرفته است و در پایان نتیجه‌گیری مقاله و پیشنهادها لازم‌ارائه شده است.

این مقاله مشتمل بر یک مقدمه و چند موضوع می‌باشد که در بند "الف" به طرح چالش‌های تقنینی نظام نیمه آزادی در ایران و چالش‌های ضرورت گذشت شاکی خصوصی و موانع تئوری و قانونی نظام نیمه آزادی می‌پردازد.

در بند "ب" چالش‌های ساختاری نظام نیمه آزادی در حقوق ایران و رویه قضایی مورد بحث قرار گرفته است.

در پایان نتیجه‌گیری مقاله و پیشنهادها لازم‌ارائه شده است.

الف) چالش‌های تقنینی نظام نیمه آزادی

با توجه به اینکه موضوع نظام نیمه آزادی در مواد ۵۶ و ۵۷ قانون مجازات اسلامی و مواد ۵۵۳ و ۵۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری آمده است، موضوع با اهمیتی همچون نظام نیمه آزادی فراتر از مفاد چند ماده‌ی قانونی در قانون مجازات اسلامی و آئین دادرسی کیفری است و نیازمند شرح و بسط و توضیح مسائل و مصادیق بیشتری از این روش مهم کیفری می‌باشد.

با توجه به بررسی رویه‌ی قضایی فعلی در اکثر مناطق علی‌الخصوص مازندران و به طور خاص در غرب مازندران و حتی مناطق دیگر کشور، نشان می‌دهد که اعمال نظام نیمه آزادی بیشتر قبل از تصویب آئین‌نامه

ی جدید براساس رویه ی قبلی در جریان بوده است، یعنی علیرغم تصویب مواد ۵۶ و ۵۷ قانون مجازات اسلامی و ۵۵۳ و ۵۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری به لحاظ عدم تصویب آئین نامه ی اجرایی قانون تا تاریخ ۱۳۹۸/۳/۴، اجرای چنین رویه و اعمال نظام نیمه آزادی با مانع حقوقی، قانونی و قضایی مواجه می شد. با عنایت به اینکه قانون مجازات اسلامی در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱ به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی طبق اصل ۸۵ قانون اساسی ایران رسیده بود و در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۱ نیز به تصویب شورای نگهبان رسیده و در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۴ در روزنامه ی رسمی کشور منتشر گردید که ۱۵ روز پس از انتشار یعنی از تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ لازم الاجرا گردید و از آن تاریخ تاکنون که سال ها می گذرد آئین نامه ی مربوطه با تأخیر قابل توجهی به تصویب قوه ی قضائیه رسیده است در حالی که ایران هم اکنون دارای بیش از ۱۱ یازده هزار قاضی و ده ها هزار نفر وکیل دادگستری و همچنین ده ها هزار نفر حقوقدان و تحصیل کرده و کارشناس حقوق می باشد و نوشتن یک آئین نامه در زمان مناسب می توانست با مشورت خیل عظیم جامعه ی قضایی و حقوقی کشور صورت گیرد و این مقدار با تأخیر در تصویب آئین نامه مواجه نمی شدیم.

۱) چالش ضرورت گذشت شاکی خصوصی

از جمله شرایط مهم مقید در ماده ی ۵۷ قانون مجازات اسلامی، مشروط شدن تحقق نظام نیمه آزادی، به گذشت شاکی شده است. به عبارت دیگر چنانچه تمامی شروط دیگر محقق گردد و قاضی محکمه ی کیفری هم موافق باشد با این وصف نمی توان حکم به نیمه آزادی را صادر کرد در حالی که این مسئله نقض غرض می باشد و چالش جدی پیش روی اجرای چنین روشی قرار خواهد داد تا جائیکه اعلام گذشت شاکی را قانونگذار شامل حبس های تعزیری درجه ی دو تا هفت به طور کلی قرار داده است و البته بر اساس ماده ی ۸ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳ مجلس شورای اسلامی درجات دو الی چهار به ماده ی ۵۷ قانون مجازات اسلامی به عنوان تبصره ی جدید اضافه شده است و شرط گذشت شاکی مانع اعمال چنین شیوه ای در محاکم کیفری ایران خواهد شد و هیچ محکومی نمی تواند از مزایای آن استفاده کند و مقامات قضایی نیز نخواهند توانست با فرض تمایل به اعمال آن، چنین موقعیتی را برای زندانی فراهم نمایند و تمامی تالی فاسدهای حبس و مشکلات فردی و اجتماعی گریبان گیر شخص زندانی و خانواده اش و نهادها و سازمان های دولتی و زندان و جامعه خواهد شد و بهتر است که درخصوص این شرط اصلاحاتی بعمل آید یا کلاً حذف شود و یا قانونگذار آن را در جرائم با درجه ی سنگین حفظ کند و حداقل نسبت به جرائم سبک تر آن را محذوف تلقی کند تا از زیان های ناشی از وجود چنین شرطی در همه ی حالات پیشگیری گردد.

۲) فقدان ضمانت اجرایی

اصولاً بیان احکام و مقررات در چند ماده ی قانونی همان گونه که بیان شد نمی تواند موانع پیش روی را بردارد. ضمناً سکوت مقنن در قبال ارتکاب جرم جدید یا تخلف از تعهدات توسط محکوم، مغایر اصول حاکم بر قانونگذاری و همزمان ناقض هماهنگی و انسجام میان مواد قانون است.

اگرچه اصل تدبیر مقنن، در پیش بینی نظام نیمه آزادی، گام بلندی در کاستن از مضرات حبس، تقلیل زیان جامعه از محرومیت از خدمات فرد و جلوگیری از لطمه ی بیشتر به زندگی فردی و اجتماعی محکوم

بوده، شایسته‌ی تحسین است، لیکن فقدان هرگونه ضمانت اجرایی در قبال پایبندی به تعهدات و عدم ارتکاب جرم جدید از سوی محکوم، نقیصه‌ای غیرقابل توجیه است.

بعلاوه خلأ یاد شده، اصل لزوم هماهنگی و انسجام میان مواد یک قانون که از اصول حاکم بر قانونگذاری است را مخدوش می‌سازد، بر این اساس زمانی که مقنن برای تخلف از شرایط یا ارتکاب جرم جدید در تعویق، تعلیق و آزادی مشروط، تدابیری اتخاذ کرده است، سکوت وی در قبال رفتارهای ذکر شده در نظام نیمه آزادی، نقیصه آشکار است و احياناً احاله کردن آن به آئین نامه، رفتاری غیرحقوقی خواهد بود.

شایسته است مقنن با الصاق یک تبصره به شرح زیر به ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی، تدابیری مشابه آنچه ذیل آزادی مشروط مقرر گردیده، برای این نهاد نیز اتخاذ کند: "هرگاه محکوم در مدتی که تحت نظام نیمه آزادی قرار گرفته است، بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند یا یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه ی هفت را مرتکب بشود، علاوه بر تحمل مجازات جرم جدید، مدت باقی مانده ی محکومیت وی نیز از شمول نظام نیمه آزادی، خارج می‌شود."

ب) چالش‌های ساختاری

در جهت اجرای عملی نظام نیمه آزادی آیا موانعی هم بر سر راه وجود دارد؟ و در صورت وجود چنین موانعی چه اقدامات و راه‌حلی می‌توان برای حل مشکل در نظر گرفت؟ با توجه به اینکه صدور حکم به نظام نیمه آزادی علی‌القاعده در محاکم کیفری صورت می‌گیرد و یا قضات اجرای احکام می‌توانند پیشنهاد دهنده ی آن به قضات محاکم باشند در دو بُعد موانع قضایی و عملی می‌توان به تحلیل این موضوع پرداخت:

۱) فقد بستر مالی

یکی از دلایلی که موجب شده است تا مجازات‌های اجتماعی به عنوان دلیلی برای مجازات حبس معرفی شوند هزینه‌های اقتصادی بالای زندان است زیرا؛ اجرای مجازات حبس نیازمند صرف هزینه‌های اقتصادی بالا برای تأسیس زندان، داشتن مأموران و زندانبان، آموزش آنها و نگهداری از زندانیان می‌باشد اما این به آن معنی نیست که تعیین و اجرای مجازات‌های غیر حبس فاقد چنین هزینه‌های اقتصادی است، بلکه یکی از موضوعاتی که درخصوص اینگونه از مجازات‌ها مطرح می‌شود، این است که این مجازات‌ها نیز دارای هزینه‌های اقتصادی خاص خود می‌باشند. به عنوان نمونه، هزینه‌هایی که جهت تهیه و برگزاری تأسیسات و تجهیزات نظارتی (نظارت الکترونیکی و مشابه آن) باید صورت بگیرد، در اختیار داشتن افراد و مأموران خاص مانند مأموران تعلیق مراقبتی، مددکاران اجتماعی، پرداختن اضافه کار به مأموران نظارتی که شب و روز انجام وظیفه می‌کنند، آموزش کارکنان و مأموران جهت استفاده از این تجهیزات نظارتی و مهم‌تر مربوط به چگونگی انجام وظایف و اختیاراتشان از جمله ی این موارد می‌باشند.

به سخن دیگر، صحیح است که هزینه‌ی شیوه‌های جایگزین نسبت به مجازات زندان کمترند، ولی ایجاد چنین روش‌هایی بدون در نظر گرفتن برخی منابع مالی امکان‌پذیر نمی‌باشد. پیش از این که از راه کاهش تعداد زندانیان بتوان صرفه‌جویی مالی کرد، برای تثبیت شیوه‌های جایگزین به مخارج اولیه و سرمایه‌گذاری

کوتاه نیز نیاز است، چرا که تجربه‌ی برخی از کشورهای جهان مانند جمهوری چک و زیمباوه نشان داده است که تلاش در جهت به کارگیری شیوه‌های جایگزین بدون تأمین مالی لازم مشکلاتی را برای کشورها پدید آورده است^۱ و حالا که در ایران به حمایت مالی از روش نیمه آزادی توجه لازم نشده و صورت اجرائی پیدا نکرده است معلوم می‌شود که در این زمینه هزینه‌ی کافی نکرده ایم و قوه‌ی قضائیه نسبت به مسائل مالی، زیر ساخت‌های مناسب را انجام نداده است.

۲) فقدان تشکیلات مستقل

در راستای اجرای هرچه دقیقتر و بهتر نظام نیمه آزادی، ایجاد و برقراری زیرساخت‌های لازم ضرورت دارد و البته این موضوع در آئین نامه نحوه اجرای نظام نیمه آزادی و برای سایر جایگزین‌های حبس بیان شده است اما در آئین نامه این مسئله به بنیاد تعاون زندانیان کشور واگذار گردید تا تحت نظارت سازمان زندان‌ها فعالیت کند ولی بنظر می‌رسد که ایجاد یک سازمان خاص زیر نظر مستقیم قوه قضائیه، فراتر از بنیاد تعاون زندانیان لازم می‌باشد تا با ساز و کار قوی و مناسب تر وارد میدان شود و با تأمین اعتبار متناسب و مدیریت متمرکز در ارتباط با اصلاح و بازپروری مجرمان و کاهش بزهکاری با در نظر گرفتن امکانات بیشتر و با اتخاذ تدابیر خاص ناظر به مرحله‌ی پیش از آزادی، همچون ارائه‌ی آموزش‌های عملی و فنی و حرفه‌ای لازم است که به تأسیس و تقویت نهادهای پس از آزادی از جمله مراقبت‌های پس از خروج و نظارت، توجه بیشتری مبذول گردد و بطور خاص با اجرای برنامه‌های مدون و نظارت متمرکز از رها نمودن مجرم مشمول نظام نیمه آزادی در اجتماع خودداری شود که این امر مستلزم ایجاد تشکیلات و ستاد لازم با تأمین اعتبار کافی است و نیازمند کمک و مساعدت قوای مقننه و مجریه و قضائیه می‌باشد.

۳) نقش دادستان و قاضی اجرای احکام

بعد از گذشتن فرآیند طولانی مدت، صدور نظام نیمه آزادی، بحث اجرا و اجرایی شدن آن از اهمیت والایی برخوردار است، چرا که از یک طرف فرآیند صرف شده در این خصوص بی نتیجه نماند و از طرفی دیگر نیز اهداف و کارکردها و فلسفه‌ی صدور این نهاد محقق می‌گردد. به همین دلیل است که در اینجا به این مطلب اشاره می‌شود تا آن که به نوعی آسیب شناسی حقوقی نه تنها تا مرحله‌ی صدور، بلکه بعد از آن را در نظر داشته باشد.

اگر چه دادسرا در جرح و تعدیل نوع و میزان مجازات سالب آزادی از جمله نظام نیمه آزادی، مستقل نبوده و در واقع در این خصوص دادگاه صادر کننده‌ی حکم طبق قوانین مربوط صالح می‌باشد، اما باید گفت در عین حال بسیاری از حقوق و آزادی‌های بنیادین محکوم به مجازات سالب آزادی به این مقام قضایی واگذار گردید، که یکی از این موارد اجرای نظام نیمه آزادی و درخواست اعمال آن توسط قاضی اجرای احکام کیفری است که این موضوع گامی مؤثر در جهت حفظ حقوق محکوم به مجازات سالب آزادی به شمار می‌آید. اما آیا دادسرا با ریاست دادستان در واقع می‌تواند متولی و عهده دار اجرای مجازات سالب آزادی گردد؟ آیا اجرای مجازات توسط این مقام قضایی در راستای حفظ حقوق و آزادی‌های محکوم بوده یا برعکس، حقوق و آزادی‌های وی را به مخاطره می‌اندازد؟

^۱ گودرزی بروجردی، محمدرضا و مقدادی، لیلیا. کیفرشناسی فایده‌گر (گریزگاهی توانمند برای زندان زدایی). مجله‌ی اصلاح و تربیت. شماره‌ی ۴۴. آبان ماه ۱۳۸۴. ص ۳۵

برخلاف ساز و کار پیش بینی شده جهت اعطای نظام نیمه آزادی که توسط دادگاه صادر کننده ی حکم قطعی است، در ماده ی ۵۷، به نقش قاضی اجرای احکام کیفری در مرحله ی اجرای حکم اشاره ای نشده است، اما می توان گفت که با توجه به ماده ی ۵۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص نقش دادستان در آزادی مشروط پیشنهاد استفاده ی محکوم^۳ علیه از نظام نیمه آزادی با قاضی اجرای احکام کیفری است. این موضوع در قانون آئین دادرسی کیفری پیش بینی شده است و البته این موضوع در ماده ی ۱۸ آئین نامه ی اجرایی نظام نیمه آزادی به نقش قاضی اجرا تصریح شده است.

وفق قانون آئین دادرسی کیفری و ماده ی ۱۸ آئین نامه، قاضی اجرای احکام کیفری هم می تواند علاوه بر خود محکوم و دادگاه که در قانون مجازات اسلامی بیان شده است، نظام نیمه آزادی را تقاضا کند. طبق ماده ی ۵۵۳ این قانون، در جرائم مشمول نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی، قاضی اجرای احکام کیفری می تواند پس از وصول گزارش شورای طبقه بندی زندان و نظریه ی مددکاران اجتماعی معاونت اجرای احکام کیفری، مبنی بر آن که اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی از سوی محکوم^۴ علیه در خارج از محیط زندان، در فرآیند اصلاح وی و یا جبران ضرر و زیان بزه دیده مؤثر است به دادگاه صادر کننده ی حکم پیشنهاد اجرای نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظر سامانه های الکترونیک را طبق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بدهد و مطابق تصمیم این دادگاه اقدام نماید.

قانون مجازات اسلامی مدل خاصی را برای اتخاذ تصمیم در مورد نیمه آزادی عنوان ننموده است و به شکل کلی آن را بیان کرده است. در ماده ی ۵۷ آمده: "محکوم را تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد" اما شواهد، مبین آن است که این تصمیم در چارچوب حکم، اتخاذ می شود؛ به لحاظ اینکه در قسمت ذیل ماده ی ۵۷ آمده است: "محکوم می تواند صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید" لذا مشخص می گردد دادگاه نمی تواند نوع تصمیم اداری باشد یا قرار صادر کند. نتیجه ی متفاوت حاصل می شود و آن اینکه آراء محاکم عموماً به شکل دادنامه صادر می شود و سپس به طرفین ابلاغ می گردد تا از حقوق خود همانند حق اعتراض استفاده ی لازم را ببرند. اما با عنایت به اینکه تصمیم دادگاه چنین آثار و نتایجی ندارد، ممکن است بیان شود الزامی برای محکمه وجود ندارد که حکم یا قرار صادر کند بلکه ممکن است که تصمیمی اداری بگیرد و ممکن است که به نوعی تصمیم اداری اتخاذ نماید. چنانچه دادگاه ضمن صدور حکم محکومیت مبادرت به اتخاذ تصمیم در خصوص نیمه آزادی بگیرد این بحث منتفی است و در این حالت تصمیم متخذه ی محکمه، جزئی از حکم می باشد لکن اگر این تصمیم پس از صدور حکم محکومیت اخذ شود، بدیهی است که چنین مطالبی قابلیت طرح را دارد.

البته براساس مفاد آئین نامه ی نحوه ی اجرای آزادی مشروط مصوب ۱۳۹۸/۲/۴ و در مواد ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ صراحتاً اشاره به صدور حکم یا رأی دادگاه شده است که تا حدودی رفع ابهام می نماید.

همانگونه که در بند قبلی عرض شد، تأخیر در تصویب آئین نامه ی اجرائی قانون در طی این سال ها آنچه که عملاً نسبت به نحوه ی اعمال روش نیمه آزادی در کشور صورت می گرفت استفاده از روش های سابق قبل از به تصویب رسیدن قانون مجازات اسلامی و آئین دادرسی کیفری فعلی بود. یعنی بر اساس آئین نامه ی

سازمان زندان ها، تقاضای زندانی که تحت عنوان " رأی باز" و از طریق اجرای احکام کیفری دادسرا بررسی و مورد موافقت یا مخالفت قرار می گرفت، و تقاضای محکوم از طریق زندان یا مددکار یا خانواده و یا وکیلش به دادگاه صادر کننده ی حکم کیفری ارسال نمی شد و محاکم کیفری اساساً چنین درخواست هایی را مورد بررسی و صدور حکم قرار نمی دادند و همان روال سابق در جریان بود. همانگونه که می دانیم اتخاذ چنین روش اجرایی و عملی هم با مفاد قوانین فعلی قانون مجازات اسلامی و آئین دادرسی کیفری مغایرت داشت و هم اینکه محاکم کیفری صادر کننده ی رأی، وارد رسیدگی به موضوع نمی شدند و این مشخصاً انواع تالی فاسد را در پی داشت و عملاً کار به دست کارکنان زندان و مددکاران و کارمندان اجرای احکام کیفری و نهایتاً قاضی اجرای احکام کیفری می افتاد ولی براساس آئین نامه ی جدید محکمه ی جزائی به موضوع، رسیدگی و حکم صادر می نماید و یا به بررسی درخواست محکوم می پردازد که بالطبع سازگاری بیشتری با قوانین مصوب داشته و محکمه ی صادر کننده ی حکم کیفری بهتر می تواند مصلحت و خیر و صلاح محکوم را در نظر بگیرد و با تصویب آئین نامه ی جدید می توان موانع عملی و اجرایی و قضایی را تا حدودی برداشت و راه را برای اعمال قانون هموارتر نمود.

جهت بررسی وضعیت اجرایی و نحوه ی عملکرد و رویه ی فعلی حاکم بر دادسراها (اجرای احکام کیفری) و محاکم کیفری به نزد بعضی از دادستان ها و قضات اجرای احکام کیفری و قضات محاکم کیفری در حوزه های قضایی غرب استان مازندران و زندان عمومی از تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ لغایت ۱۳۹۹/۱۲/۱۵ مراجعه و راجع به موضوع نظام نیمه آزادی و چگونگی نحوه ی برخورد با این موضوع تحقیق مختصری^۱ انجام گردید و آنچه که فعلاً به آن عمل می شود همان رویه ی سابق می باشد و پس از تصویب تقاضای محکوم^۲ علیه در شورای طبقه بندی زندان، مراتب به قاضی اجرای احکام کیفری و دادستان گزارش می شود و آنان بعضاً بدون انعکاس مراتب به قضات محاکم کیفری و رأساً و بدون در نظر گرفتن آئین نامه ی اجرایی نظام نیمه آزادی که اتخاذ تصمیم را بر عهده ی محاکم کیفری می گذارد موافقت یا مخالفت خویش را با تقاضای زندانی اعلام می دارند و در بعضی حوزه های قضایی نیز به دادگاه کیفری ارسال و دادگاه با اتخاذ یک تصمیم و بدون انشاء رأی مستقل یا دادنامه با درخواست موصوف موافقت و یا مخالفت می کنند و هنوز بعضی قضات محاکم کیفری در عمل تمایل و رغبت چندانی به موضوع نظام نیمه آزادی نشان نمی دهند. و با عنایت به تحقیق بعمل آمده، دوره های آموزشی خاصی در خصوص نظام نیمه آزادی در این مناطق برگزار نمی شود و یا قضات، تشویق خاصی به توجه به نظام نیمه آزادی نشده اند و مراکز خاصی با عنوان نظام نیمه آزادی در زندان شکل نگرفته است و مددکاران اجتماعی با این عنوان و بطور خاص برای نظام نیمه آزادی فعالیت اختصاصی ندارند و البته نظارت با پایبند الکترونیکی آغاز گردیده است و بیشتر کارگاه ها و مراکز متعلق به زندان ها همچون گلخانه، توربافی، بلوک زنی یا باغ کیوی برای زندانیان، در نظام نیمه آزادی از آنها استفاده می شود و در بخش خصوصی نیز زندانی به بعضی کارگاه ها همچون نجاری فرستاده می شوند و نیز از طریق شهرداری ها جهت اشتغال در فضای سبز و پارک ها بکارگیری می گردند و در بعضی موارد نیز با همکاری

^۱ از قضات محترم محاکم شعب ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ کیفری دو دادگستری شهرستان تنکابن و همچنین دادستان عموم و انقلاب آن شهرستان و اجرای احکام کیفری دادسرای عمومی و انقلاب مربوطه و همچنین از قضات محترم محاکم کیفری شعب ۱۰۱ و ۱۰۲ کیفری دو دادگستری شهرستان رامسر و اجرای احکام کیفری دادسرای ذریبط و نیز از قضات شعب ۱۰۱ و ۱۰۲ کیفری دو دادگستری شهرستان عباس آباد و شعب کیفری دو حوزه قضایی بخش خرم آباد و نیز از ریاست محترم زندان عمومی تنکابن که حوزه های قضایی بخش عمده ای از ناحیه غرب استان مازندران را تحت پوشش دارد، مصاحبه و تحقیق بعمل آمد.

شهرداری ها از آنان به عنوان پارک بان استفاده می گردد و هنگام اشتغال آنان در این مراکز آنان به عنوان کارگر ساده تلقی و ۵۰ پنجاه درصد دستمزد به خانواده ی محکوم علیه و ۲۵ بیست و پنج درصد به زندانی در زمان اجرای حبس و ۲۵ بیست و پنج درصد نیز برای وی پس انداز گشته و پس از آزادی به وی پرداخت می گردد.

۴) عدم آموزش کافی کارگزاران دستگاه عدالت کیفری

یکی از موارد با اهمیت اجرای نظام نیمه آزادی، فراهم کردن بستر فرهنگی و آموزشی آن از طریق ارتقاء آگاهی ها و علاقه مندی آحاد جامعه، کارگزاران عدالت کیفری و یا مسئولان نهادهای ذیربط و اجرا کننده ی این مجازات جهت پذیرش و اجرای بهتر این نوع از مجازات ها می باشد. وصول به این هدف یعنی آگاهی و علاقه مندی از طریق تغییر نگرش ها و عقاید و افکار مردم و دست اندرکاران و مجریان نظام نیمه آزادی، بر ضروری و مفید بودن اصلاح و تعدیل مجازات حبس نسبت به بعضی از جرائم و مجرمین و نیز آشنایی با اهداف، کارکردها و فواید اجتماعی میسر خواهد شد. سازمان اصلاحات جزایی بین المللی کمیسیون حقوق بشر در فوریه سال ۲۰۰۰ میلادی در اعلامیه ای درباره ی جایگزین های مجازات زندان عنوان کرده است: "باید هرچه سریع تر پروژه ای برای نگارش و تهیه ی کتابچه ای جهت راهنمایی قضات در رسیدگی های کیفری در نظر گرفته شود".^۱ این بیان را می توان در رابطه با نظام نیمه آزادی نیز تصور کرد. تقویت اطلاع رسانی و علاقه مندی نسبت به مجازات های اجتماعی در دو وضعیت قابل تأمل است:^۲

وضعیت اول؛ سیستم قضایی علی الخصوص نیروی انتظامی و قضات باید آموزش های ویژه ای را ببینند تا پیش بینی نظام نیمه آزادی، برخلاف اعتقاد عمومی، نوعی بی توجهی و سهل انگاری نسبت به مجرم، انتقام گیری از وی و نادیده گرفتن حقوق جامعه تلقی نشود بلکه جهت اجرای هرچه بهتر عدالت و پیشگیری از ارتکاب جرم می باشد. ضمناً این نوع از نظام اجرای زندان در مقایسه با سایر مجازات ها به ویژه حبس برای مجرمین غیر خطرناک و اصلاح ناپذیر کارآمدتر و مفیدتر است.

وضعیت دوم؛ نهادها و مؤسسات اجتماعی گوناگون اعم از دولتی، مردمی و عمومی همچون آموزش و پرورش، شهرداری، مددکاری اجتماعی، کارگاه های حرفه آموزی و اشتغال کشاورزی و صنعتی و مشابه اینها، مراکز بهداشتی و درمانی، اداره ی راهنمایی و رانندگی و مساجد که نیازمند مشارکت و همکاری مؤثر مدیران، مسئولان و کارکنان این نهادها است. این مسئله در گرو شناخت و درک کافی و دقیق این نهادها و سازمان ها و مجریان آنها از اهمیت و جایگاه مجازات جایگزین حبس، فواید و کارکردهای آن برای محکوم و جامعه امکان پذیر خواهد بود.^۳

۱. آشوری، محمد. جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر، مجموعه ی مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، به کوشش میر شهشاهانی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶، ص ۶۷

۲. حاجی تبار فیروزجایی، حسن، صص ۹۳-۹۱

۳. معظمی، شهلا. جانشین های مجازات زندان برای زنان، مجموعه ی مقالات و راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۶، ص ۷۹

آموزش و اطلاع رسانی در وضعیت های فوق را می توان از طرقی مانند برگزاری کلاس های آموزشی برای قضات و مسئولان و مأموران نهادها و مؤسسات مجری حکم، برگزاری سمینارها و همایش ها، اطلاع رسانی از طریق مطبوعات و رسانه های گروهی جهت بالا بردن اعتماد و مشارکت اجتماعی و داوطلبانه ی مردم و به ویژه نهادهای مجری حکم و غیره انجام داد.

استفاده از کلمات و عباراتی مانند قاضی صادر کننده ی حکم و قاضی اجرای حکم، دستگاه ها و مؤسسات دولتی و عمومی، حرفه آموزی و اشتغال، اقامت یا عدم اقامت در مکان معین، درمان بیماری، خودداری از تصدی برخی یا کلیه ی وسایل نقلیه و گذراندن دوره های آموزشی و غیره در ماده ی ۴۲ قانون مجازات اسلامی و بعضی مواد دیگر همچون ۸۴ و ۸۳، ۸۲، ۸۰، ۷۹، ۷۸، ۴۱ به روشنی دلالت بر دخالت داشتن و نقش مؤثر و اساسی ایفا نمودن نهادها و مؤسسات اجتماعی مختلف اعم از دولتی و عمومی فوق الذکر در تعیین و اجرای مفید تدابیری چون نظام نیمه آزادی از طریق ارتقاء آگاهی ها و آموزش و اطلاع رسانی دقیق و کافی در سطح فوق الذکر می باشد.

۵) فراهم نبودن بستر اجتماعی

داشتن و تأسیس نهادهای مختلف اعم از قضایی و اجتماعی (دولتی، غیردولتی و عمومی)، لزوم همکاری و تعامل نهادها به ویژه همکاری نهادهای مجری نظام نیمه آزادی با دستگاه قضایی و افراد و گروه ها و اجتماعات گوناگون و افزایش اعتماد میان آنها و بالاخره مهم ترین قسمت از بسترهای اجرایی لازم برای اعمال و اجرای نظام نیمه آزادی، داشتن نیروی کار متخصص و حرفه ای مانند قضات، مأموران تعلیق مراقبتی، مددکاران اجتماعی از طریق برگزاری دوره های آموزش تخصصی و فرهنگ سازی برای آنان است.^۱

و این درحالی است که بررسی های بعمل آمده در ایران، نشان می دهد که یکی از مهم ترین مشکلات در ارتباط با بسترهای اجرایی لازم در زمینه ی اعمال مجازات های جامعه مدار در ایران، کمبود متخصصان غیرقضایی مانند مددکاران اجتماعی و مأموران مراقبتی به منظور نظارت بر اجرای آنها و فراهم نبودن بسترهای اطلاعاتی همچون بایگانی جنایی به منظور اعمال این نوع کیفرها است. به سخن دیگر، اینگونه از افراد و مأموران که نظام نیمه آزادی تحت کنترل و نظارت آنها اعمال و به اجرا در می آید، باید از مهارت ها و تخصص های لازم در خصوص مسائلی مانند چگونگی برخورد با محکوم، چگونگی نظارت از ناحیه ی آنان، ارائه ی خدمات و مشاوره به محکوم، چگونگی ارتباط با خانواده ی محکوم، چگونگی استفاده از کمک های داوطلبان و امثال آنها بهره مند باشند، در غیر این صورت، امکان دستیابی به هدف اصلی نظام نیمه آزادی یعنی اصلاح و درمان مجرمین و بازسازی اجتماعی آنها میسر نخواهد بود.

نتیجه گیری

با توجه به فوایدی که روش نیمه آزادی دارد چنانچه مفاد آن توسط حکومت و قوه ی قضائیه و محاکم کیفری به طور همه جانبه اجرا گردد می توان زمینه ی اصلاح و پیشگیری از جرم را فراهم کرد و بالطبع می

^۱ زینالی، امیر حمزه. سرمایه ی اجتماعی. بستری برای اعمال کیفرهای اجتماع محور در ایران. مجله ی حقوقی دادگستری. شماره ی

شود گفت که این روش مفیدتر و کارآمدتر از حبس می باشد و با استفاده از آن می شود در جهت بازپروری دوباره ی مجرم و اجتماعی کردن او تلاش نمود.

به تصویب رساندن قوانین لازم و احیاناً آئین نامه های اجرایی مورد نیاز، به تنهایی نمی تواند اجرای مجازات های جایگزین از جمله نظام نیمه آزادی را محقق کند بلکه باید لوازم و امکانات کافی برای اعمال این مجازات ها نیز فراهم شود. به بیان دیگر به تصویب رساندن قانون و آئین نامه برای جایگزین های حبس بدون ایجاد بسترهای مناسب موجب عدم اجرای آن خواهد شد.

آنچه که مسلم است چنانچه زمینه و بستر و آئین نامه و امکانات لازم برای اجرای مفاد قانون مجازات اسلامی درخصوص اجرای روش نیمه آزادی فراهم شود می توان امیدوار بود که میزان قابل توجهی از تورم کیفری زندان ها کاسته خواهد شد.

با این وصف، کارآیی هرچه بیشتر نظام نیمه آزادی قطعاً بستگی به استفاده ی بجا و در عین حال ضابطه مند دستگاه قضایی و محاکم کیفری دارد. باضافه اینکه قاضی دادگاه کیفری لازم است که به روشنی به مجرم تفهیم کند که هدف از استفاده از این ارفاق و امتیاز قانونی، ارائه ی فرصت به وی جهت اصلاح و جبران ضرر و زیان بزه دیده می باشد و او به ازای استفاده از آن باید این برداشت را بنماید که محبت و توجه ویژه ای به وی شده است و اگر فکر کند که دولت به لحاظ کاهش هزینه های مالی خودش و کم کردن هزینه های زندان این لطف را در حق وی کرده شاید اثر لازم را در وی نگذارد.

درخصوص سؤالات و فرضیه های ذکر شده در این تحقیق می توانیم ضمن نتیجه گیری در پاسخ و توضیح سؤال اصلی این مقاله و اینکه چالش های نظام نیمه آزادی در حقوق کیفری و رویه ی قضایی ایران چیست؟ بگوئیم که هنوز مسائل مربوط به نظام نیمه آزادی در قوانین جاری کشور همچون قانون مجازات اسلامی و قانون آئین دادرسی کیفری و یا قوانین خاص کیفری دیگر به نحو مناسب بیان نشده است و آئین نامه ی اجرایی تصویب شده در سال ۱۳۹۸ نیز نیاز به الحاقات و اصلاحات قابل توجهی دارد و نکته ی مهم اینکه معمولاً آئین نامه ی اجرایی نمی تواند به تنهایی همه ی ابهامات و امکانات مورد نیاز قانون را مرتفع کند و اصلاحات مورد نیاز در قوانین جاری کشور توسط مجلس و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام می تواند در جهت رفع ابهام از قوانین و رویه های عملی کمک مؤثر و شایانی بنماید. تقویت فرهنگ عمومی و قضایی جهت ترویج و تبلیغ نظام نیمه آزادی در سیستم تقنینی و رویه ی قضایی و ایجاد ساز و کارهای لازم و مناسب برای آن و در نظر گرفتن بودجه و امکانات مالی کافی نیز می تواند از مهم ترین عوامل رفع موانع اجرای نظام نیمه آزادی باشد و البته توسعه ی دانش قضایی قضات کشور، علی الخصوص در بخش محاکم کیفری و دادرسی عمومی و انقلاب و نظامی و اجرای احکام کیفری و هماهنگی فی مابین نظام تقنینی و اجرایی برای ایجاد مراکز قوی نیمه آزادی و توسعه ی فرهنگ عمومی و استفاده از این نظام و جلب همکاری سازمان های غیر دولتی از مهم ترین اقتضانات اجرای نظام نیمه آزادی در ایران است.

سؤال اول فرعی این بوده که هم اکنون و با عنایت به قانون مجازات اسلامی و آئین نامه اجرایی نحوه ی اقدام در مورد نظام نیمه آزادی، روش عملی و اجرائی نظام نیمه آزادی در محاکم کیفری و اجرای احکام کیفری دادرسی و دادگاه های جزائی چگونه می باشد و در این مقاله گفتیم که تاکنون و قبل از تصویب آئین

نامه‌ی اجرای قانون، رویه‌ی عملی براساس روال سابق بوده و بر مبنای قانون مجازات اسلامی اجرا نمی‌شد به این لحاظ که عنوان می‌گردید چون آئین نامه‌ی اجرایی به تصویب نرسیده است در عمل با ابهام و مشکل مواجه می‌باشیم و اساساً محاکم کیفری درخصوص نظام نیمه آزادی حکمی صادر نمی‌نمودند و براساس پیشنهاد زندان و یا اقدام از ناحیه‌ی اجرای احکام کیفری، دادستان و دادیار اجرای احکام، رأساً زندانی را مشمول نظام نیمه آزادی تلقی می‌کردند ولی با تصویب آئین نامه‌ی نحوه‌ی اجرای نظام نیمه آزادی در اواخر سال ۱۳۹۸ بنظر می‌رسد که برخی ابهامات مرتفع گشته است هرچند ابهامات دیگری باقی مانده ولی به هر حال این دادگاه صادر کننده‌ی حکم محکومیت است که می‌بایست در خصوص برخورداری محکوم از امتیاز نظام نیمه آزادی مبادرت به صدور حکم نماید.

پیشنهادات

جهت اجرای هرچه بهتر نظام نیمه آزادی در سیستم جزایی ایران و رفع چالش‌ها و موانع آن می‌توان پیشنهادهای به شرح ذیل ارائه نمود:

۱) جدید بودن نظام نیمه آزادی ممکن است که موجب گردد بعضی از قضات به لحاظ عدم شناخت لازم از آن، این نهاد را مورد توجه قرار ندهند و تمایل به بکارگیری کیفرهای سنتی داشته باشند لذا آموزش درست نهادهای جدیدی همچون نظام نیمه آزادی که در قانون مجازات اسلامی آمده است می‌تواند به اجرای هرچه مناسب‌تر اینگونه موارد کمک نماید و البته قوه‌ی قضائیه بهتر است که این مهم را پیگیری و مدیریت کند.

۲) اینکه آیا روش نیمه آزادی چه میزان از موفقیت برخوردار خواهد شد بستگی به نحوه‌ی اجرای درست آن و استفاده از تجربیات سایر کشورها و آموزش نهادهای مسئول در این خصوص و زبده کردن قضات کیفری در اتخاذ تصمیماتشان و توجه به در نظر گرفتن نظام نیمه آزادی و استفاده از فرصت‌های این سیستم برای اصلاح مجرمین و اعتماد داشتن به اینکه چنین شیوه‌ای کارآمد خواهد بود و همچون سایر جایگزین‌های حبس می‌تواند مورد توجه و اعمال قرار گیرد و با استفاده از این روش، قاضی باصطلاح در مواجهه و برخورد با آسیب‌های اجتماعی، با دست بازتری می‌تواند برخورد قضایی مناسب داشته باشد.

۳) جهت اجرای هرچه بهتر روش نیمه آزادی، ایجاد زیرساخت‌های لازم ضرورت دارد که البته در آئین نامه‌ی نحوه‌ی اجرای نظام نیمه آزادی و سایر جایگزین‌های حبس به آن اشاراتی شده است ولی بیشتر پشتیبانی از مراکز نیمه آزادی از جهت امور مالی و تدارکاتی و حمایتی به عهده‌ی بنیاد تعاون زندانیان واگذار شده و بیشترین مسئولیت به عهده‌ی این بنیاد و سازمان زندان‌ها گذاشته شده است که البته حمایت مالی و تدارکاتی قابل توجهی را می‌طلبد و پیشنهاد می‌شود با توجه به اثرگذاری شایان توجه روش نیمه آزادی در ارتباط با اصلاح، بازپروری و کاهش بزهکاری، علاوه بر ضرورت اتخاذ برخی از تدابیر خاص ناظر به مرحله‌ی پیش از آزادی، همچون ارائه‌ی آموزش‌های علمی، فنی و حرفه‌ای لازم است که به تأسیس و تقویت نهادهای پس از آزادی از جمله مراقبت‌های پس از خروج و نظارت، توجه بیشتری صورت گیرد و علی‌الخصوص با اجرای برنامه‌های نظارت متمرکز، از رها نمودن مجرم مشمول نظام نیمه آزادی در اجتماع خودداری شود.

۴) ایجاد زیرساخت‌های لازم برای اجرای هرچه بهتر نظام نیمه آزادی که یکی از موارد ضروری است باید به نحو مؤثر و جدی در نظر گرفته شود. اگر ساز و کارهای اساسی این نظام همچون سامانه‌های الکترونیکی و

مراکز نیمه آزادی وجود نداشته باشند و یا به میزان لازم ظرفیت و قدرت و توان مناسب موجود نباشند کمتر مورد توجه قضات واقع شده و شاید کمتر تمایل به صدور حکم به نیمه آزادی از خود نشان دهند.

منابع و مأخذ

- آشوری، محمد. (۱۳۸۶)، جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر، مجموعه ی مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، به کوشش میر شهشهبانی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۰)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ سوم، تهران، نشر ۳، میزان.
- حاجی تبار فیروز جایی، حسن. (۱۳۸۶)، جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات فردوسی.
- زینالی، امیر حمزه. (۱۳۸۷)، سرمایه ی اجتماعی، بستری برای اعمال کیفرهای اجتماع محور در ایران، مجله ی حقوقی دادگستری، شماره ی ۶۴.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۶)، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- کلانتری، کیومرث (۱۳۸۱)، تحلیل بحران در حقوق موضوعه ی کیفری ایران و راهکارهای خروج از آن، پایان نامه ی دکتری، گرایش جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا (۱۳۸۴)، درآمدی بر کیفرهای اجتماعی در ایران، در کیفرشناسی نوین یا کیفرهای اجتماعی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- گودرزی بروجردی، محمدرضا و مقدادی، لیلیا (آبان ماه ۱۳۸۴)، کیفرشناسی فایده گر (گریزگاهی توانمند برای زندان زدایی)، مجله ی اصلاح و تربیت، شماره ی ۴۴.
- معظمی، شهلا (۱۳۸۶)، جانشین های مجازات زندان برای زنان، مجموعه ی مقالات و راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.